

خبر

معاون شهردار تهران:

جزئیات تخریب طبقه هفتم پاساژ علاءالدین اعلام شد

● **ایسنا:** ناصر امانی، معاون شهردار تهران، دراین‌باره گفت: مدیریت شهری تلاش مضاعف داشته است تا ضمن اجرای کامل و دقیق رای کمیسیون ماده ۱۰۰، مزاحمت و خدشه‌ای به فعالیت‌های مغازه‌ها و واحدهای تجاری مجاز سایر طبقات و مردمی که در حال تردد در آن هستند، وارد نشود. وی افزود: با اولویت قراردادن موضوع ایمنی شهروندان و با بهره‌گیری از مشاوره کارشناسان، اجرای کار با رعایت دقیق اصول و استانداردهای ایمنی (HSE) آغاز شد. معاون برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران ادامه داد: پس از نصب داربست روی پیاده‌روهای ضلع شمالی و شرقی ساختمان، محیط ایمن برای تردد شهروندان مهیا و سپس داربست و حصار کارگاهی در طبقه هفتم نیز نصب شد، پس از ایمن‌سازی تردد، اجرای رای کمیسیون ماده ۱۰۰ با جمع‌آوری کامل بارتیش‌ها و دیوارهای مغازه‌های واقع در طبقه هفتم ادامه پیدا کرد و سپس درها و کرکره‌های مغازه‌ها جمع‌آوری و به بیرون از ساختمان منتقل شده است. امانی ادامه داد: در حال‌حاضر، تنها تمام قسمت‌های طبقه غیرمجاز، به جز ستون‌ها و سقف جمع‌آوری و به بیرون از ساختمان منتقل شده و درحال‌حاضر اجرای این‌وزگام و عایق‌کاری کف طبقه هفتم که پس از عملیات تخریب، سقف مجموعه خواهد بود، در حال اجراست که پس از عایق‌کاری و کروم‌پندی تخریب سقف و ستون‌ها با رعایت همه الزامات و استانداردهای ایمنی انجام خواهد شد.

ادامه از صفحه ۱۶

شوک تلخ گورخوابی!

نکته قابل‌تأمل این است که پرداختن برنامه‌نویسان به موضوع آسیب‌های اجتماعی موضوع جدیدی نیست، چراکه در سade ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه، به‌صراحت به تدوین طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و همچنین سیاست‌های لازم اشاره شده و البته در سال ۸۷ بود که سند جامع «کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی» نیز از سوی دولت ابلاغ شده است، هرچند در برنامه پنجم توسعه اشاره‌ای به موضوع آسیب‌های اجتماعی نمی‌شود و مجلس وقت نیز توجهی به این مهم نکرده و این عنصر مفقوده برنامه‌ای بود که به‌عنوان سند پنج‌ساله مصوب شد و این غفلتی است که مجلس دهم درصدد است تا در برنامه ششم توسعه تکرار نشود. بنابراین می‌توان گفت که موضوع آسیب‌های اجتماعی همواره در متن برنامه‌ریزی‌ها قرار داشته است و قانون‌گذاران نیز به صورت نسبی به آن توجه داشته‌اند، اما باید به ریشه‌یابی آن پرداخت که غفلت در کجا بوده است که اکنون با چنین شرایطی روبه‌رو هستیم که هرازچندگاهی اخباری تلخ شوک‌دهنده می‌شوند. به نظر می‌رسد در حوزه آسیب‌های اجتماعی که با متن زندگی همه مردم سروکار دارد، به‌نوعی دچار آفت انقطاع مدیریتی در کشور شده‌ایم که هر دولت یا مسئولی در دوره حضورش به شکلی دیگر به آن می‌پردازد و شاهد به‌هم‌پیوستگی مدیریتی برای رفع مشکل نیستیم و این نقد نیز به دستگاه قانون‌گذار بازمی‌گردد که با نظاره‌دگری دقیق به رصد اجرای قوانین نمی‌پردازد. وقتی در رویکرد مجلس به قوانین در حوزه آسیب‌های اجتماعی یا مذاکرات مجلس مراجعه می‌کنم، بسیار سخرها دراین‌باره گفته شده است و مصوبات مختلفی را شاهدیم، ولی آنچه مهم است اینکه رویکرد دیگر نهادهای مسئول در اجرای این قوانین چگونه بوده است. از سویی شاهد آتیتم تفکراتی که هر عرصه‌ای را به میدانی برای تسویه‌حساب‌های شخصی یا سیاسی خود تبدیل کرده‌اند، این موضوع را نیز نادیده نگرفته‌اند و به‌دنبال گرفتن انگشت اتهام به‌سوی اشخاص یا جریان‌ات سیاسی برای مسئله آسیب‌های اجتماعی هستند، به‌طوری‌که این روزها نیز شاهدیم ماجرای گورخوابی شهروندانی بی‌پناه با انگاره‌هایی سیاسی به موضوعی برای تخریب دولت یازدهم تبدیل می‌شود، درحالی‌که با کمی تفکر منطقی می‌توان به این نتیجه رسید که این‌ پدیده حاصل اتفاقات سه سال اخیر نیست و پيشينه‌ای دراز دارد که دولت‌های قبلی نیز با عملکردشان در آن سهیم‌اند. جالب‌تر آنجاست که هر اقدام یا اظهارنظری از سوی مسئولان دولتی برای حرکت در فرایند رو به کاهش آسیب‌های اجتماعی را با تحریف و تعبیری نادرست به زعم خودشان به تویخانه‌ای علیه دولت فعلی تبدیل می‌کنند. این در حالی است که بهتر است همان جریان‌هایی که به‌دنبال مقصریابی برای این موضوع هستند، به دنبال ایجاد هم‌افزایی میان مسئولان، نهادهای مدنی و نخبگان در راستای حرکت‌های بنیادین برای کاهش آسیب‌ها باشند. در این راستا بی‌شک نیاز به عزم ملی میان نخبگان و نهادهای مدنی داریم تا در همراهی با دولت به تدوین لایحه‌ای جامع در حوزه آسیب‌های اجتماعی کمک کرده و آن را در اجرای قوانین معطل‌مانده باری رسانند و از سوی دیگر مجلس نیز با اهمیت دادن به این موضوع دارای‌اولویت به تصویب و نظارت بر اجرای دقیق و همچنین به تسهیل‌گری می‌پردازد و در کنار مردم و نخبگان قرار می‌گیرد.

معصومه اصغری: رحمت‌الله حافظی، رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران، اصولگرایی است که از خط اصولگرایی‌ای که اصولگرایان تابه‌حال ترسیم کرده‌اند بیرون زده و اتفاقا با همه مشترکات با اصلاح‌طلبان زیر چتر آنها هم نرفته و در زاویه‌ای که خودش می‌داند پیش می‌رود؛ عضوی که حداقل در یک سال اخیر وقتی به شهردار اصولگرایی مورد تأیید اصولگرایان رای نداد، تاکنون مورد غضبشان است. او بارها خط‌خطوط خود را تشریح کرده، اما همچنان در محافل مختلف از جمله نشست خبری خودش، با سؤالات متعدد مورد این همه است که بالاخره کدام‌طرفی است؟ اگر اصولگراست، این چه اصولگرایی‌ای است؟ و اگر می‌خواهد با اصلاح‌طلبان بر بخورد، چرا زودتر نمی‌گوید؟

او روز گذشته در نشست خبری چندین‌بار مورد سؤال مستقیم خبرنگاران رسانه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب درباره اقدامات، اظهارات و تصمیمات گذشته و آینده‌اش بود. بخش ابتدایی جلسه به بیان توضیحات حافظی درباره دلایل ورودش به بودجه و حسابرسی و سایر صورت‌های مالی گذشت و او گفت: سلامت مالی و اداری نیز جزء سلامت عمومی محسوب می‌شود و ریشه بسیاری از نارسایی‌ها در ساختار و ترکیب بودجه شکل می‌گیرد.

رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران درباره گزارش تلفیق صورت‌های مالی سال ۹۰، گفت: گزارش اولیه در ۴۰۰ صفحه از سوی حسابرס شورا ارائه شد، اما پس از آنکه گزارش به رؤیت مسئولان شهرداری رسید، به ۱۶۰ صفحه کاهش یافت و نهایتا پس از بررسی‌های مجدد، این گزارش ۱۶۰صفحه‌ای به ۶۹ صفحه تقلیل یافت که جای هیچ اماواکری نیز وجود ندارد. او در ادامه رونوشتی از این صورت‌های مالی را به خبرنگاران داد و گفت: شهرداری رسانه‌های زیادی دارد و می‌تواند در قالب یک ویژه‌نامه در روزنامه سراسری همشهری بنده‌بند توضیحات کارشناسانه و نه عوام‌فریبانه خود را ارائه دهد.

او در ادامه به حواشی توییت اخیرش درباره «فشار قالیباف جهت تغییر فرمانده راهور تهران» اشاره کرد و گفت: طبق آیین‌نامه قانون الحاق سه تبصره به بند ۱۲ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، شهردار تهران می‌تواند در مورد تغییر یا عزل و انتصاب رئیس راهور مورد مشورت قرار گیرد. او بنده‌ای این قانون را قرائت کرد و گفت: این موضوع بحث جدیدی نیست و به‌جای انگار باید نسبت به دعوت برای مذاکره اقدام

تقابل نمایشگاهی دولت و شهرداری

شرق: عضو شورای شهر تهران دلیل اصلی اختلاف درباره نمایشگاه بین‌المللی تهران و مرکز نمایشگاهی تازه‌تاسیس شهر آفتاب و ارتباط آن با ترافیک تهران را تقابل دولت و شهرداری از سال‌های گذشته تاکنون می‌داند و معتقد است دو طرف در شرایط موجود منفعت‌هایی دارند و همین اختلاف تاکنون گذاشته این صنعت بزرگ به جایگاه و شرایط خود برسد. محمدمهدی تندگویان، عضو کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران که پیش از این حدود ۱۰ سال در هیئت‌مدیره شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی عضویت داشته است، پس از اخبار و حواشی که در چند ماه اخیر پیرامون نمایشگاه سایت سنول و نمایشگاه شهر آفتاب و ترافیک و ترافیک سیاسی مطرح کرده و دیگران مطرح کرده‌اند، با خبرنگاران صحبت کرد. او ضمن توضیحاتی درباره سابقه نمایشگاه سایت سنول و سابقه واگذاری آن به بخش خصوصی و مقاومت‌های دولتی در مقابل آن، تصریح کرد: سال‌ها قبل قرار بود این مجموعه به بخش خصوصی واگذار شود و در ساسات‌های اصل ۴۴ هم بر آن تأکید شد، اما با فشارهایی، آن را از بند مربوطه خارج کردند و تا امروز در مالکیت آستان قدس و در اجاره وزارت صنعت است و اتفاقا دفعات برگزاری نمایشگاه‌شان هم در این مدت از ۶۰ – ۷۰ مورد به بیش از ۹۵ مورد رسیده است.

تندگویان درباره واگذاری شهر آفتاب نیز با بیان اینکه این نمایشگاه به عنوان مابه‌التفاوت دیون می‌خواهد به بانک شهر واگذار شود، گفت: معنای واگذاری متفاوت است؛ چراکه در واگذاری به بخش خصوصی باید مزایده برگزار و مدیریت به اصلح‌ترین فرد واگذار شود. او می‌گوید درباره صنعت نمایشگاهی که وجود دارد، رانت‌های زیادی ردوبدل می‌شود که فشارهای نیروی انسانی و امتیازهای فی‌مابین افراد اجزای کوچکی از این رانت‌ها هستند و در این سال‌ها انتصابات غیرتخصصی و دستوری این مجموعه را دچار مشکل کرده است. او در پاسخ به این سؤال که آیا قبول دارد اشتباه و الگوی غلطی که از نمایشگاه بین‌المللی تهران در این سال‌ها درست کرده، حالا درباره شهر آفتاب از سوی شهرداری تهران در حال تکرار است، گفت: ما هیچ‌گاه موافق ورود و شروع تصدی‌گری شهرداری در مرکز نمایشگاهی نبودیم، اما شواری دوم در هر صورت این موضوع را تشخیص داده و مصوبه هم دارد که در آن شهرداری را موظف به تشکیل مرکز نمایشگاهی جایگزین کرده و حتی به طور غیرقانونی شهرداری را ملزم به جلوگیری از برگزاری نمایشگاه جدید در مرکز نمایشگاهی سنول کرده است. او افزود: بنده بارها اعلام کردم، به‌هیچ‌وجه موافق نیستم شهرداری سایت نمایشگاهی بسازد؛

جامعه



بهرام

در یک نشست خبری و در جریان سؤالات خبرنگاران مطرح شد:

دفاع حافظی از حافظی

من انگ و شائبه سیاسی می‌زنند، نمی‌توانند جواب درست بدهند و فرار رو به جلو دارند. ضمن اینکه صحت درباره برخی مسائل و برخی افراد به‌هیچ‌عنوان اقدام علیه نظام و آبروی نظام نیست. این نگرش که عده‌ای از مدیران آبروی نظام هستند باید اصلاح شود، چراکه نظام و اقتدار آن بسیار فراتر از آن است که با عملکرد چند مسئول خطای مخدوش شود. چگونه ممکن است عملکرد یک مدیر خطاکار، کل نظام را زیر سؤال ببرد؟ ما باید به‌عنوان نماینده مردم از نظام صیانت کنیم. من اصولگرایی‌ای را که کورکورانه از یک فرد خاص یا یک موضوع خاص حمایت کند، اصولگرایی نمی‌دانم؛ اصولگرایی باید منافع مردم را اصل قرار دهد، نه منافع جناح سیاسی‌ای که بعضا با منافع مردم در تعارض است. وی در پاسخ به این سؤال که شما به‌عنوان عضو شورا در موضوعاتی وارد می‌شوید و در توییت‌تان می‌نویسید که حیطه کاری‌تان نیست و به خاطر آنها مورد فشار و هجمه قرار می‌گیرید، آیا دراین‌باره فشاری از مرجعی به شما وارد می‌شود؟ گفت: اگر بنده به‌عنوان عضو شورای شهر تهران، روحانی، ورزشکار، هنرمند یا معمار بودم، می‌توانستید از این یادداشت‌ها تصور دیگری داشته باشید، اما بنده به‌عنوان یک پزشک که مصونیت و مسئولیت حرفه‌ای دارم رفتار می‌کنم؛ یک پزشک نمی‌تواند چشم خود را روی ازدست‌رفتن جان یک انسان ببیند. وی که در توییت خود درباره امکان عیادت از یک زندانی سیاسی صحبت کرده بود، در توضیح بیشتر، گفت: برخی از دوستان می‌گویند با این صحبت‌ها و یادداشت‌ها برای اعتصاب غذای یک

زندانی سیاسی، امکان رد صلاحیت شما وجود دارد، اگر قرار باشد بین تأیید صلاحیت و نجات جان یک انسان، گزینه‌ای را انتخاب کنم، بدون شک نجات یک انسان اولویت خواهد بود و تعجب می‌کنم که رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس که پزشک نیز هست، چرا در این خصوص سکوت کرده است. محکومیت این فرد ۱۵ سال است، نه مرگ. اگر نتانیاخواه منفقورترین انسان روی کره زمین است هم در این مکان دچار ایست قلبی شود، نعتن‌ها بنده، بلکه هر پزشک دیگری نیز موظف به احیای تنفسی و قلبی خواهد بود. او باز هم درباره اینکه با این اقداماتش نزدیک به جریان اصلاح‌طلب شده و حتی شائبه قرارگرفتنش در لیست ۲۱ نفره آنها هم وجود دارد، گفت: کسی تابه‌حال راجع به هیچ لیستی با من حرف نزده و صادقانه بگویم که هنوز خودم برای حضور در انتخابات دوره پنجم شورا به جمع‌بندی نرسیده‌ام. این را هم بارها گفته و دوباره می‌گویم که در هر لیستی که می‌خواهند اسم من را بگذارند، اما در زمان تصمیم‌گیری، مستقل عمل خواهم کرد. این عضو شورای شهر تهران در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت ترافیک تهران و اظهاراتش در این زمینه، برخی از اقدامات اشتباه مدیریت شهری را برشمرد و گفت: مدیری که نمی‌تواند درباره وضعیت ترافیک اهم و فی‌الاهم کند، کار اشتباهی می‌کند (بیجا می‌کند) بدون مجوز شورای شهر با میلیاردها تومان پول مردم اتوبان می‌سازد. شان مردم در این وضعیت حمل‌ونقل و ترافیک و جانشان زیر سؤال رفته و نباید به موضوع ترافیک و آلودگی هوا نگاه سیاسی داشته باشیم، او در پاسخ به سؤال دیگری درباره اینکه آیا در زمینه برخی اقدامات و اظهارات شکایت یا فشاری داشته است، توضیح داد: شکایت‌هایی از طرف شهردار یا دادسرای تهران بوده است. من نماینده مردم هستم و هر جا لازم باشد، می‌روم و رفع ابهام می‌کنم؛ اما منتظر شکایتی نیستم. اتفاقی که امروز در تقابل دولت و شهرداری تهران شاهد هستیم، قبلا هم بوده و در تقابل دولت‌های نهم و دهم با شهرداری هم این را شاهد بودیم. خطای اصلی جایی است که شهردار فردی انتخاب می‌شود که حال‌وهوای ریاست‌جمهوری به سرش می‌زند یا در انواع تعارض‌های سیاسی قرار دارد. از نظر من ریشه اصلی خطا در صحن شورای شهر تهران است که انتخاب شهردارشان به سمتی می‌رود که فردی سیاسی نباید و نه فردی متخصص. در گذشته هم دولت اصولگرا داشتیم، هم اصلاح‌طلب. وقتی شهردار سیاسی باشد، این تقابل هم هست. اگر شهردار غیرسیاسی باشد مشکل حل می‌شود.

فرم درخواست اشتراک شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۸۸۲۰۹۵۹۳- ۸۸۱۹۸۹۶۴ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در میدان آرژانتین - خیابان الوند - کوچه آرشیا - پلاک ۶

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۱۹۸۹۵۸

شرایط اشتراک

- ساعت تحویل روزنامه صبح ۵ صبح الی ۱۰ صبح می‌باشد.
- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.
- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.
- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.
- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود. توجه: لطفاً کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۲/۸۵۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک نسخه روزنامه شرق به مدت ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی دریافت کننده: امضاء دریافت کننده:						

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۹ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐
کد اشتراک
تعداد نسخ اشتراک

نام: نام‌خانوادگی: نام موسسه:

امضای متقاضی:

مستحضات متقاضی

آدرس دقیق:
کدپستی:
تلفن:
نماینر:

به‌خاطر واژه‌ها

واژه‌ها مهم‌اند هنوز. به اندازه تفاوت تأثیر داروی خارجی و ایرانی که حتی بیمار هم متوجه‌اش می‌شود؛ تن رنج‌ورش را که داروی خارجی می‌تواند زودتر و کم‌دردتر درمان کند، مجبور است بپرداز به داروی مشابه ایرانی که ضعیف‌تر است.

تازه اگر مواد اولیه آن دارو توانسته باشند از تحریم جان سالم به در ببرند و وارد کشور شده باشند.

واژه‌ها مهم‌اند چراکه تحریم تنها یک واژه و حتی یک عمل مستقل نیست. پیامدهای سلسله‌وار همین یک واژه چنان به ۷۰، ۸۰ میلیون نفر می‌رسد که دیگر در قالب نام‌ها و نهادهایی مشخص و محدود نمی‌گنجد.

سوزن تحریم تا عمق جان فرورفته و هر که نداند، بیماران خاص و سخت‌درمان خوب می‌دانند تمدید و تشدید تحریم‌ها یعنی دسترسی سخت‌تر و گران‌تر به داروهای حیاتی. یعنی دست‌خالی‌برگشتن از داروخانه، یعنی تحلیل‌رفتن توان مالی و جسمی و روحی بیمار و اطرافیانش در مرور زمان. یعنی نگرانی و هراس و اضطراب دائم که «اگر این‌بار دارو کیرم نباید چه؟» اینجاست که اصرار می‌کنم ببر اینکه واژه‌ها مهم‌اند. که از زمان انتشار نامه ۳۰ نفر از ایرانیان به رئیس‌جمهور جدید آمریکا، درخواستشان برای ادامه و تشدید تحریم‌ها، فکر می‌کنم اگر هر یک از این افراد، در خانواده و دوست و آشنا، عزیزی بیمار داشتند، دستان هنگام امضای نامه نمی‌لرزید؟

یعنی با این شیوع سرطان -صرف‌نظر از ام‌اس و بیماری‌های خاص دیگر- یک دردمند در میان خانواده‌شان نداشته‌اند که وقت تنظیم متن نامه و کنارهم‌چیدن واژه‌هایش به یادش بیفتند؟ چطور خود را نمایندگان مردمی دانسته‌اند که برای یکی از ساده‌ترین حقوق انسانی خود دست‌به‌گریبان هزارتوهای وحشت‌آور و دردناک‌اند؟ چگونه چشم بستند بر طاق‌ت‌فرسات‌شدن زندگی تعداد زیادی انسان که از قضا هم‌وطنانشان هستند؟ چطور و با چه منطقی، چوب برداشتند و هم‌وطن‌های کتک‌خوره‌شان را دوباره زدند؟ واژه‌ها بسیار مهم‌اند و چگونه به‌کارگرفتن‌شان مهم‌تر. برای همین است که این نامه، نویسندگان و امضاکنندگان‌اش را هیچ نمی‌فهمم.